

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

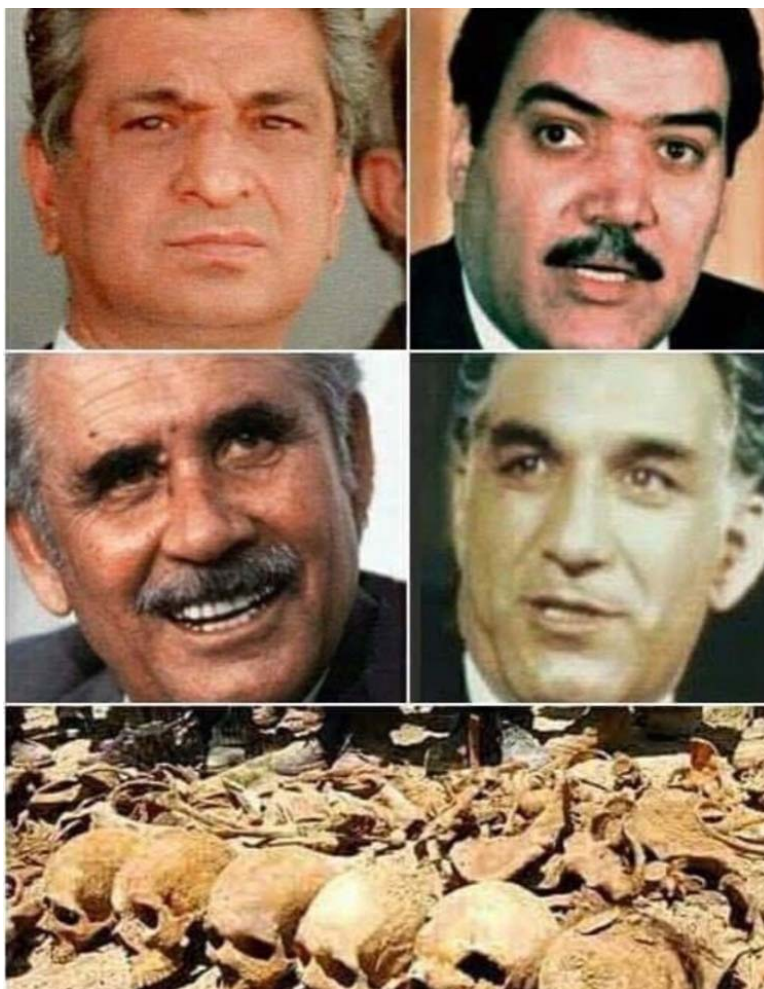
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی  
۲۲ اپریل ۲۰۲۰

## هفت ثور کودتای خونین در تاریخ کشورما



سران جنایتکار و خایت "خلق-پرچم"

تعدادی از تکنوکرات های جاسوس و نوکر "ک. ج. ب." سوسیال امپریالیسم شوروی آنزمان که در رأس آنها خلقی

ها و پرچمی ها قرار داشتند و سالها جیره خوار مسکو بودند، وظیفه داشتند تا پلانه‌های تجاوزکارانه سران مسکو را در بدل اخذ پول عملی نمایند. آنها همچنان راپورهای روشنفکران، وطنپرستان و آزادیخواهانی را که علیه سوسیال امپریالیسم شوروی مبارزه می کردند، تهیه نموده و به سفارت آن کشور اطلاع می دادند. این خائنین در زمان حاکمیت "داوود" خان مانند مورچه ها به دور وی جمع شده و فعالیت می کردند. چنانچه تعدادی از آنها عضو کابینه دولت آن زمان هم بودند.

مگر با پلان "ک. ج. ب." اختلافاتی که در درون حزب به وجود آمده بود، باعث کشته شدن میراکبر "خبیر" گردید. حزبی ها با انتقال جنازه "خبیر" به سمت شهدای صالحین شعارهایی علیه حکومت و قانون که به نفع شوروی بود، سر داده بودند. دولت که تحمل چنین شعار ها را نداشت به وزارت عدلیه حکم صادر نمود تا سران آنها را دستگیر نموده به زندان ببندازد. از جمله دستگیرشدگان "حفیظ الله امین" توانست به کمک "عبدالغنی" مشهور به زنبور که پولیس و از حزب "خپ" بود، مدت ۱۲ ساعت با دونفر حزبی دیگر بنام "صاحب جان صحرانی" و "ظریف" در خانه بمانند که بعداً توسط "غنی زنبور" رها شدند.

حزب "خلق و پرچم" نفوذ سیاسی و نظامی خود را در قوای چهار زره‌دار و قوای پانزده زره‌دار قایم نموده بودند. علاوه بر این دو قوای رزه‌دار، قوای هوایی و مدافع هوای تحت تأثیر این دو حزب بودند. جگرن "اسلم وطنجار" در قوای چهار و پانزده زره‌دار و جگرن "رفیع" در لوای ۸۸ توپچی که رئیس آن جگرن "خلیل" مشهور به سگباز بود.

قوای هوایی را دگروال "عبدالقادر هراتی، گلابزوی، شهنواز تنی" و دوستان دیگر حزبی شان تحت کنترل خود داشتند. "سرور نورستانی" که قومندان قوای چهار زره‌دار بود، در همین وقت حساس به شوروی رفته بود. سردار "داوود" خان به روز پنجشنبه هفت ثور ۱۳۵۷ ش در داخل ارگ جلسه کابینه را دایر کرده بود تا این وطنفروش‌شان را به کیفر اعمال شان برساند. در این جلسه بحث صورت گرفته بود که باید کدام از افراد حزب "خلق و پرچم" اعدام و یا به زندان فرستاده شوند. همین بود که به ساعت پانزده و پانزده دقیقه به سردار "داوود" خان اطلاع داده شد که ارگ و وزارت دفاع توسط تانکهای قوای چهار زره‌دار که در رأس آن "اسلم وطنجار" و تورن "عمر" قرار داشتند، محاصره شده است. همچنین قوای پانزده زره‌دار به امر جگرن "رفیع" هم به طرف شهر در حرکت هستند. "داوود" خان به "صاحب جان" قومندان گارد جمهوری دستور داد تا معلومات اخذ نماید، که آیا واقعاً تورن "عمر" با تانک ها نزدیک ارگ شده است و یا نه. "صاحب جان" با دیدن تانکها به تورن "عمر" دستور داد تا به قرارگاه شان برگردند ولی وی از اطاعت خودداری کرد. موقعی بود که چهار طرف ارگ مطلق محاصره شده بود.

"اسلم وطنجار" و دیگران در داخل تانکها منتظر رسیدن طیارات جنگی در فضا بودند. چون قوای هوایی به موقع به کمک آنها نرسیدند، همین بود که "اسلم وطنجار" نخست امر فیر را به طرف وزارت دفاع و بعداً به طرف ارگ داد. در همین اثناء بود که طیارات نظامی به امر دگروال "عبدالقادر" و پیلوتهای آن که دگرن "میرغوث الدین"، دگرن "محمدحلیم"، جگرن "محمداسحق" و تورن "عبدالوهاب" بودند، بمباردمان را بالای ارگ و شهر کابل شروع کردند. "صاحب جان" قومندان گارد "داوود" خان تا آخرین لحظه زندگانی سردار "داوود" از وی دفاع نمود.

زد و خورد همانطور ادامه داشت تا این که خورد ضابط "امام الدین" مسؤول کوماندو اخطار داده که مجبور هستید همه تان تسلیم شوید. "داوود" خان به وزیر دفاع وظیفه داد تا با قوای نظامی به کمک ارگ برسد، مگر قوای

ریشخور و قرغه از مقاومت باز مانده بودند و نتوانستند کدام کمکی را انجام بدهند. "حیدر رسولی" همراه با یک تعداد از جنرالها که در خانه باغبان خود مخفی شده بودند، آنها را هم دستگیر نموده و به قتل رسانیدند. در حالی که از داخل و از فضا بالای ارگ آتش می بارید، "داوود خان" با خانوادش ارگ را ترک نکردند. یگانه امید سردار "داوود" قوای مشرقی بود که جنرال "یونس خان" را تا پل چرخی کابل رسانیدند، وی هم توسط کودتاچیان به قتل رسید.

کودتاچیان در داخل ارگ با وجودی که "داوود" خان را مورد خطاب قرار دادند که باید تسلیم شود و همچنین "گل آقا" امر گارد کوماندوی و وفادار به "داوود" خان و خوردضابط "امام الدین" نزد سردار "داوود" خان رفتند و گفتند که باید تسلیم شوید، مگر "داوود" گفت: در صورتی تسلیم می شوم که دگروال "عبدالقادر" با "وطنجار" و دیگر سران آنها بیایند تا صحبت کنیم و بعد از آن تسلیم می شوم. مگر پلان شوروی که در حقیقت نابودی "داوود" خان بود، امر قتل "داوود" خان و فامیلش در ارگ عملی گردید. بدین ترتیب "داوود" خان با همه اعضای فامیلش به شمول زنان و کودکان شان به شکل فجیع به شهادت رسیدند.

بعد از قتل عام خاندان "داوود" خان صدای سخنرانی های امین، وطنجار و عبدالقادر با بیانیه های پر طمطراق که به خاندان محمد زائی خاتمه داده شد، فضای کابل را پیچیده بود. بعداً اعلام نمودند که وزراء، رؤسای، جنرالان و مأموران بلند رتبه به وزارت دفاع حاضر شوند. از جمله کسانی که به وزارت دفاع رفتند، همه شان به شمول "موسی شفیق" اعدام شدند و یا این که در پلیگون پل چرخی کابل در سلول های دسته جمعی انداخته شدند. "نوراحمد اعتمادی" مدتی زنده بود مگر از کشتن وی هم دریغ نکردند.

خوانندگان عزیز، ده سال تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی و حاکمیت دولت دست نشانده آنها حزب به اصطلاح "دیموکراتیک خلق" نه تنها خیانت به کشور و مردم نمودند بلکه مانند وحشی های درنده از هیچ نوع جنایت در حق مردم ما دریغ نکردند. کشت و کشتار، شکنجه های قرون وسطایی در زندانها، قتل عام مبارزان راه آزادی کشور، گورهای دسته جمعی که در سراسر افغانستان به وجود آوردند. هر قدر که در باره وطنفروشان خلق و پرچم گفته شود باز هم کم گفته شده است. این خائنان تا به امروز عاملان تمام بدبختی های مردم ما بوده اند. میلیون ها کشته و زخمی و معیوب و میلیونها انسان آواره در سراسر جهان. اعضای به اصطلاح حزب "دیموکراتیک خلق" نه تنها رقاصان سوسیال امپریالیسم شوروی آنزمان بودند که به ساز آنها می رقصیدند بلکه امروز رقاصان امپریالیسم امریکا و ناتو هم هستند.